



بررسی

قسمت اول

تأثیر تحریم بر قاچاق

مصطفی آذری

کارشناس ارشد مدیریت صنعتی

۱- مقدمه

قاچاق نوعی تجارت غیرقانونی کالا است که قوانین و مقررات حاکم بر داد و ستد کالاها را دور می‌زند و اغلب، پدیده‌ای نامطلوب است که اقتصاد کشور را از مسیر درست خود منحرف نموده و دست‌یابی به اهداف و برنامه‌های توسعه‌ی اقتصادی را با اختلال و دشواری مواجه می‌سازد. اما برای کشور تحت تحریم، در کنار عوارض نامطلوب مذکور ابزاری پسندیده و ترجیحی برای مقابله با تحریم و کاهش هزینه‌های آن می‌تواند باشد. با بروز قاچاق در اقتصاد هر کشور، در مرحله‌ی اول اعتبار اقتصادی آن کشور در بین فعالان تجارت جهانی خدشه‌دار می‌شود و در مرحله‌ی بعد، دارای تأثیرات اجتماعی، سیاسی و امنیتی می‌شود. قاچاقچیان معمولاً در مقابل خروج و ورود کالاهای مورد نیاز مردم و منابع ملی، اقدام به ورود یا خروج کالاهایی می‌کنند که در جهت خلاف منافع کشور تحت تحریم و یا کشور اعمال‌کننده‌ی تحریم خواهد بود. اما این پدیده در صورتی که با هدف نقض تحریم باشد، امری مورد پسند برای کشور تحت تحریم خواهد بود. در این جا پرسشی که مطرح می‌شود این است که: تأثیرات تحریم بر قاچاق چگونه است؟

در این پژوهش ضمن بررسی اهداف تحریم و علل قاچاق، اثرات تحریم بر قاچاق، مورد بررسی قرار می‌گیرد، ضمن آنکه به ویژگی‌های مثبت و منفی قاچاق در زمان تحریم اشاره می‌شود و بر این نکته تأکید می‌گردد که با وقوع تحریم، میزان قاچاق افزایش می‌یابد. این موضوع هم به دلیل حمایت دولت تحت تحریم و هم به دلیل صرفه‌ی اقتصادی این فعالیت برای قاچاقچیان است.

تشدید قاچاق و فساد منجر شود. برای مثال بر اساس (اعلام) شورای تجاری ایران که تشکل گروهی از تاجران ایران در دبی است، در سال ۲۰۰۶ صادرات از امارات به ایران ۲۰ درصد و در سال ۲۰۰۷، ۲۵ درصد افزایش داشته است. رئیس این شورا می‌گوید: اگر تحریم‌ها ادامه یابد، این مسأله بیش از پیش به امارات سود می‌رساند.

محمد حسینی، مدیر بازاریابی شرکت الفا در دبی می‌گوید: مشتریان این شرکت گفتند دیگر حاضر به انجام معامله از طریق بانک نیستند؛ بنابراین شرکت، محصولاتش را از طریق واسطه به دبی می‌فرستند؛ سپس این واسطه پول نقد را از طریق سرویس انتقال پول به تهران می‌فرستد. هم‌سایه این‌ها به گرانی دامن می‌زند و در نتیجه مسیرهای غیر رسمی برای ارزان شدن صادرات و واردات کالا تقویت شده است که نهایتاً به نفع قاچاق خواهد بود.

در واقع به طور کلی تحریم باعث می‌شود که اقتصاد متکی به قاچاق تقویت شود. برای مثال قاچاق طلا در شرق کشور جمهوری دموکراتیک کنگو (زئیر سابق) به همین دلیل حاکم شد. بر همین اساس گروهی از کارشناسان سازمان ملل معتقد بودند که با توجه به وسعت این کشور، ممنوعیت کامل قاچاق اقدامی بسیار دشوار و پرهزینه بوده است و راه حل مطلوب، استفاده از سیستم ردیابی است که امکان متوقف کردن قاچاقچیان را به طرف اوگاندا (کشور همسایه) ممکن می‌سازد.

هم‌چنین آمریکایی‌ها با نظارت بر فعالیت مؤسسات ایرانی به تدریج دریافته‌اند که صادرات دوباره‌ی کالا از دوی و سایر شهرهای امارات در حقیقت راهی برای جمهوری اسلامی به منظور مقابله با تحریم اقتصادی است و از همین رو امارات متحده‌ی عربی را به ویژه از سال ۱۳۸۶ برای بازنگری روابطش با ایران زیر فشار گذاشتند که نتیجه‌ی آن در سال ۲۰۰۸ عدم گشایش اعتبار برای بازرگانان ایران از سوی بانک‌های اماراتی بود.

هر چه وابستگی اقتصادی و سیاسی به کشورهای تحریم‌کننده بیش‌تر باشد، امکان موقعیت تحریم در تغییر رفتار هدف بیش‌تر است؛ اما اگر کشور هدف

که بر اساس تئوری هزینه - فایده برای قاچاقچی، با افزایش فواید ناشی از انجام قاچاق و درآمدهای ناشی از آن به دلیل تفاوت قیمت در بازار تحریم نشده و بازار تحریم شده به وجود می‌آید، تمایل به انجام قاچاق را افزایش می‌دهد. برای مثال می‌توان گفت بخشی از شرکت‌هایی که در امارات متحده‌ی عربی به سودآوری خود ادامه می‌دهند، ناشی از همین تفاوت قیمت ایجاد شده در داخل کشور است که ناشی از تحریم ایران و بالا بودن قیمت کالا در داخل کشور به نسبت بازار کالا در امارات است که قاچاقچیان از آن سود جسته و با انتقال کالای قاچاق به داخل کشور ضمن، استفاده از شرایط تحریم، به کسب سود از طریق قاچاق ادامه می‌دهند.

از سوی دیگر چنین زمانی، به دلیل تحریم مبادلات مالی و پولی، تبادلات به سمت اقتصاد چمدانی بر می‌گردد و یکی از خطرات اقتصاد چمدانی این است که شما در مورد مقصد پول مطمئن نخواهید بود و این مسأله می‌تواند به

۲- اهداف تحریم و تأثیر آن بر قاچاق
اعمال تحریم بر اساس اهداف مختلفی صورت می‌گیرد که به طور کلی می‌توان آن‌ها را به شرح زیر تقسیم‌بندی کرد:

۱. **بازگردانی:** تهدید به تحریم به منظور جلوگیری از نقض یک اقدام.
۲. **پیروی:** تغییر برخی جنبه‌های سیاست داخلی و خارجی کشور هدف.
۳. **تنبیه:** تنبیه رفتار نادرست کشور هدف.

۴. **بی‌ثباتی:** ایجاد بی‌ثباتی در کشور هدف.

۵. **یک‌پارچگی:** ایجاد وحدت در مقابل کشور هدف.

۶. **نمادین:** ارائه‌ی شواهدی دال بر نارضایتی فرستنده به کشور هدف بدون خسارت مالی جدی.

با توجه به اهداف برشمرده از تحریم می‌توان گفت، قاچاق از دید کشورهای هدف به عنوان ابزاری برای مقابله با اهداف مذکور با ویژگی‌های متفاوت می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. با توجه



هر چه وابستگی اقتصادی و سیاسی به کشورهای تحریم‌کننده بیش‌تر باشد، امکان موقعیت تحریم در تغییر رفتار هدف بیش‌تر است

به نظریه‌ی بازی (game theory) می‌توان گفت تهدید و اعمال تحریم را باید به عنوان بخشی از تعامل راهبردی در نظر گرفت که در آن قاچاق به عنوان یک بازیگر جدید وارد این بازی (کشور هدف و کشور تحریم‌کننده) شده و به نوعی به بی‌ثمر شدن تحریم کمک می‌کند. به خصوص در زمینه‌ی تحریم کالا و یا تحریم‌های مالی، موجب کاهش جدی کارآمدی تحریم اعمال شده می‌شود.

از سوی دیگر، تحریم به دلیل این



مربوط به مقابله با تحریم منجر به این شد که نه تنها قاچاق پا بگیرد، بلکه رشد مداومی نیز داشته باشد.

میراث دیگر دوره‌ی تحریم ظهور گروه تازه به دوران رسیده است. دوره‌ی فرآیند بعد از کمونیست در اروپای شرقی گروه جدید طبقه‌ی ممتاز که با فساد و جنایت نیز درگیر بودند، شکل گرفت و در غرب بالکان، این گروه‌ها با تبدیل فعالیت‌های خود به اقدامات غیر قانونی برای نقض تحریم، به طور جدی‌تر تقویت شدند.

برای نمونه در صربستان در اوایل دهه‌ی نود دولت ملوشویچ امتیاز اعطای واردات مخفی سیگار به مونته‌نگرو را به ولادیمیر بوکن سپرد. وی اعتراف کرد که روزانه ده هزار دلار از نقض تحریم‌ها، [سود] قاچاق کالا به دست می‌آورده است که او را به یک میلیونر تبدیل کرد (پنج روز بعد از این اعتراف در مقابل ویلایش در آتن توسط دو نفر به قتل رسید). هم‌چنین یکی از ثروتمندترین افراد، استانکو بود که درآمدهای خود را در دوران تحریم به دست آورد؛ به گونه‌ای که از او به عنوان «سلطان قاچاق سیگار در اروپا» نام برده می‌شد. او فعالیت‌های خود را در یک بوتیک در بلگراد آغاز کرد که سرمایه‌ی آن را بوکن تهیه کرده بود. وی در اوایل دهه‌ی ۹۰ فردی برجسته در فعالیت‌های اقتصاد زیرزمینی برای مقابله با تحریم و نقض آن بود؛ اغلب افراد نیز که چنین رشدی داشته‌اند، دارای رابطه‌ی نزدیکی با دولت بوده‌اند.

تجربه‌ی دوران ملوشویچ نشان می‌دهد که بعدها تلاش دولت برای

گرچه قاچاق در زمان تحریم، قیمت داخلی برخی کالاها را پایین می‌آورد، اما وجود هزینه‌های اضافی برای تجارت غیر قانونی به دلیل تحریم، قیمت کالاهای قاچاق را در سطحی بالاتر از قیمت بین‌المللی قرار می‌دهد

را افزایش داده و منجر به تقویت این پدیده می‌شود. بررسی پدیده‌ی قاچاق در کشورهای دیگر جهان نشان می‌دهد که هر چه اقتصاد بازتر باشد و درجه‌ی باز بودن اقتصاد بیش‌تر باشد، میزان قاچاق و بازار غیر رسمی در کشور کم‌تر می‌شود. عموماً کشورهای مبتلا به بازار غیر رسمی و قاچاق فزاینده هستند که در آن‌ها مؤلفه‌های سیاست‌های تجاری به شدت از سوی دولت کنترل می‌شود. بنابراین می‌توان این گونه استدلال کرد که تحریم به جهت این که دولت تحت تحریم را مجبور به اعمال سیاست‌های سخت‌گیرانه در زمان تحریم برای مدیریت شرایط سخت اقتصادی می‌کند و نوعی افزایش کنترل اقتصاد از سوی دولت صورت می‌گیرد، اقتصاد بسته‌تر می‌شود که این عامل خود باعث افزایش قاچاق می‌شود (نمودار یک). برای نمونه در مونته‌نگرو فعالیت‌های

بتواند از طریق واسطه از کشورهای دیگر و ناقضان تحریم و ... کمک دریافت کند، خواهد توانست از فشار تحریم‌ها بکاهد. چنانچه کوبا از طریق کمک‌های شوروی در زمان جنگ سرد در برابر تحریم‌های آمریکا مقاومت کرد.

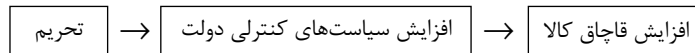
اثرات تحریم کالا بر قاچاق را می‌توان از دو بُعد تأثیر آن بر کل اقتصاد یا از نظر تأثیر بر یک کالای خاص مورد بررسی قرار داد. هم‌چنین موضوع روابطی قابل بررسی است که تحریم بر منحنی‌های عرضه و تقاضای کالا می‌تواند از تحریم تأثیر بپذیرد.

قاچاق کالا در شرایط تحریم، به دلیل این که قیمت‌های کالای تحت تحریم را کاهش می‌دهد، موجب افزایش قدرت خرید مصرف‌کنندگان از یک سو و افزایش مصرف کل آن کالا از سوی دیگر می‌شود. قاچاق به طور کلی، رفاه بخشی از مصرف‌کنندگان کالای تحریم شده را در زمان تحریم، افزایش می‌دهد.

در این بین، تولیدکنندگان داخلی نیز به دلیل فرصت مناسبی که از ناحیه‌ی تحریم برای آنها فراهم آمده است، می‌توانند از این فرصت برای افزایش سودآوری خود به دلیل کاهش رقابت استفاده کنند. در عین حال به علت ضعف تجارت قانونی و تقویت تجارت غیر قانونی درآمدهای دولت کاهش می‌یابد. این درآمد از دست رفته‌ی دولت، نصیب مصرف‌کننده و قاچاقچیان و تجارت غیرقانونی خواهد شد.

با این حال باید دانست که گرچه قاچاق در زمان تحریم، قیمت داخلی برخی کالاها را پایین می‌آورد، اما وجود هزینه‌های اضافی برای تجارت غیر قانونی به دلیل تحریم، قیمت کالاهای قاچاق را در سطحی بالاتر از قیمت بین‌المللی قرار می‌دهد. از سوی دیگر تحریم به دلیل این که موجب می‌شود، هزینه‌ی مواد اولیه‌ی وارداتی افزایش یابد، هزینه‌ی تولید کالای داخلی را افزایش می‌دهد و در نتیجه موجب تقویت پدیده‌ی قاچاق به دلیل افزایش رقابتی شدن کالای خارجی در بازار داخلی از طریق قاچاق در مقابل کالای تولید داخلی می‌شود. هم‌چنین با توجه به این که دولت‌ها با استفاده از تعرفه سعی دارند صنایع داخلی را حمایت کنند، این افزایش تعرفه میزان سود ناشی از قاچاق

نمودار یک



کاهش درجه‌ی باز بودن اقتصاد

گرفتن مالیات از این افراد با مشکل مواجه شد؛ چرا که عده‌ی اندکی از این افراد، حاضر به پرداخت مالیات بودند و این افراد قدرت مالی خود را برای ادامه‌ی فعالیت‌های غیر قانونی خود به کار گرفتند. افراد مذکور در دولت ملوشویچ بر اساس مشاهدات مرکز مطالعات دموکراسی، جانبان قبلی و رهبران سازمان‌های جنایی، [اینک] افراد طبقه‌ی ممتاز تجار در بعد از حکومت ملوشویچ در صربستان شدند. آن‌ها صاحبان بانک‌ها، روزنامه‌ها و کانال‌های تلویزیونی شرکت‌های صادرات واردات و فروشگاه‌های زنجیره‌ای و حامیان اصلی احزاب سیاسی شدند.

اعضای برجسته‌ی طبقه‌ی ممتاز جدید مانعی جدی برای اجرای قانون بودند. بسیاری از آن‌ها دارای مصونیت قانونی بودند و به همین دلیل بازیگران مسلط در بخش قانونی اقتصادی شدند؛ اما روش آن‌ها محور تباطو بین فعالیت‌های قانونی و غیر قانونی‌شان بود. بنابراین ملاحظه می‌شود که تحریم چگونه می‌تواند با تشدید قاچاق، به شکل‌گیری گروه‌های زیرزمینی اقتصاد تأثیر بگذارد.

مطالعات افکار عمومی نشان می‌دهد که بعد از تحریم، دامنه‌ای از تحمل و قبول فعالیت‌های غیر قانونی مانند رشوه و قاچاق صورت گرفته است. در مطالعه‌ای که در صربستان انجام شده است، بیش از ۵۰ درصد از پاسخ‌دهندگان عنوان کرده‌اند که قاچاق (معمولاً در شرایط ویژه) یک فعالیت اخلاقی قابل قبول است. ۷۵ درصد پاسخ‌دهندگان با این گفته که «تنها تبه‌کاری و دزدی در جامعه، رو به بهبود خواهند بود» موافق بودند و هم‌چنین ۷۰ درصد از پاسخ‌دهندگان با این جمله موافق بودند که «مردم صربستان قوانین را زمانی قبول دارند که در جهت منافع آن‌ها باشد». مهم‌ترین چالش سیاسی بعد از حکومت ملوشویچ نیز، گسستن هم‌زیستی نزدیک بین دولت و

سازمان‌های تبه‌کاری بود که در شرایط تحریم تربیت یافته بودند.

۳- علل قاچاق کالاهای وارداتی در زمان تحریم

یکی از مهم‌ترین علل قاچاق کالا، وجود تقاضای قابل توجه برای کالاهای قاچاق ناشی از کمبودها و محدودیت‌های تحریم است. در واقع شروع پدیده‌ی قاچاق از وجود تقاضا برای کالاها در بازار تحت تأثیر تحریم، شکل می‌گیرد. وجود تقاضا برای کالاهای قاچاق علاوه بر مسائل دیگر (نظیر: قیمت؛ تقاضای موجود برای کالای کم‌یاب زیبایی و نوآوری در طرح و رنگ کالاها؛ کیفیت بالای کالاها؛ و تبلیغات گسترده‌ی خارجی از طریق وسایل پیشرفته‌ی ارتباطی) به دلیل: تغییر الگوی مصرفی صحیح در جامعه؛ کاهش قدرت اقتصادی دولت؛ و رقابت در زمان تحریم است. اگر به دست آوردن کالاهای مورد تقاضا با ممنوعیت‌ها یا محدودیت‌هایی روبه‌رو شوند نه تنها تقاضا برای آن کالاها کاهش نمی‌یابد بلکه بستر مناسبی برای قاچاق کالای تحریم شده یا محدود شده از سوی دولت تحت تحریم، فراهم می‌آید. تبلیغات کالاهای خارجی نیز از ابزارها و عوامل مهم رسیدن قاچاقچیان به ثروت‌های باد آورده است. در چنین شرایطی حتی تولیدکننده‌ی داخلی اگر کالای مرغوبی هم تولید کند، ترجیح می‌دهد آن را با بازار خارجی به بازار عرضه کند. مردم نیز به خاطر اعتمادی که به کیفیت کالاهای خارجی دارند، فکر نمی‌کنند که چون خرید کالای قاچاق مذموم است، پس آن را نخرند. به ویژه اگر از نظر قیمت نیز ارزان‌تر از کالاهای مشابه داخلی باشد. در این جا تحریم به کمک تولیدکنندگان خارجی آمده و قدرت رقابت بیش‌تری به آن می‌دهد.

عامل دیگری که در به وجود آمدن پدیده‌ی قاچاق کالا در زمان تحریم مؤثر است، قوانین و مقررات هم‌چنین محدودیت‌ها و ممنوعیت‌ها هستند؛ زیرا

اگر محدودیت و ممنوعیتی در ورود و صدور کالاها وجود نداشت، هر کالایی با تعرفه‌ی مشخص وارد یا صادر می‌شد و قاچاق به حساب نمی‌آمد. اما ایجاد محدودیت‌های جدید در زمان تحریم، موجب تشدید افزایش منافع حاصل از قاچاق می‌شود. اگر با وجود قوانین و مقررات هم‌چنین محدودیت‌ها و ممنوعیت‌ها، قیمت‌ها در داخل و خارج یکسان باشند، انگیزه‌ای برای قاچاق وجود نخواهد داشت. گاهی بعضی از اقدامات مبهم دستگاه‌های دولتی راه را برای رونق هر چه بیش‌تر قاچاق باز می‌کند. اعمال تحریم موجب اثرگذاری برنامه‌ی دولت هدف و دولت تحریم‌کننده بر واردات به کشور هدف است. دولت تحریم‌شده یا تحریم‌کننده از طریق تعرفه‌ها و قوانین و مقررات، بر رفتار مصرف‌کننده اثر می‌گذارد و در نتیجه، قاچاق خود را با آن تطبیق می‌دهد و قاچاقچیان تلاش می‌کنند، سودآوری خود را با عبور از این محدودیت‌ها افزایش دهند.

علاوه بر قوانین و مقررات، هم‌چنین محدودیت‌ها و ممنوعیت‌ها، وضع تعرفه‌های سنگین بر واردات قانونی کالا نیز موجب گسترش قاچاق می‌شود. در زمان تحریم، دولت به منظور کنترل مصرف با توجه به محدودیت‌های جدی ناشی از تحریم سعی خواهد کرد، توازن بین صادرات، واردات و هزینه‌ها و درآمدها داشته باشد که زمینه‌ای جدی برای برخی کالاها به منظور قرار گرفتن در مسیر قاچاق ایجاد می‌کند.

مرزهای طولانی زمینی و دریایی و فقدان نظارت کافی بر آن‌ها از عوامل مؤثر بر گسترش قاچاق کالا در کشور است. برای مثال در ایران طول ۸۷۵۵ کیلومتری مرزها و هم‌جواری با کشورهای که از نظر اقتصادی در وضعیت متفاوتی قرار دارند، هم‌چنین عدم تجهیز گلوگاه‌های مرزی به وسایل پیشرفته، از مهم‌ترین عوامل گسترش قاچاق در کشور محسوب می‌شوند. هر قدر هزینه‌ی ریسک قاچاق کم‌تر باشد، قاچاقچی، بهتر فراهم می‌شود.

گرچه در زمان تحریم با توجه به محدودیت‌های کلی علیه کشور هدف، روند مصرف برخی کالاهای قاچاق کم‌تر می‌شود، اما بسته به نوع کالا متفاوت خواهد بود. با این حال به

به خارج در زمان تحریم، افزایش اختلاف بین قیمت‌های کالای قاچاق در بازار داخلی و بازارهای خارجی (به ویژه کشورهای همسایه) است. از سویی قیمت بعضی از کالاهای داخلی به خصوص کالاهای تحت تحریم هدفمند و یا کالاهای اساسی به علت اختصاص یارانه به آن‌ها از طرف دولت، در بازار داخلی به مراتب کم‌تر از بازار کشورهای همسایه است، این امر موجب خروج چنین کالاهایی توسط قاچاقچیان و حتی افراد عادی برای تأمین نیازهای ارزی‌شان در خارج می‌شود. البته بعضی از کالاهای غیر یارانه‌ای نیز وجود دارند که انگیزه قاچاق آن‌ها به خارج نیز افزایش تفاوت فاحش قیمت در بازار داخل و خارج از کشور می‌باشد.

از سوی دیگر بخشی دیگر از کالاهای قاچاق به خارج، مربوط به کالاهای صادراتی هستند که تحت تحریم قرار دارند. اگر برای صدور قانونی کالا، مشکلی ایجاد شود، و هزینه‌های تولیدکننده و صادرکننده کالا افزایش یابد، انگیزه‌ی صدور قاچاق کالا پدید می‌آید. این پدیده در خصوص قاچاق خاویار از ایران و یا به طور مثال قاچاق نفت توسط دولت عراق شکل گرفت. نتیجه‌ی همین تحریم بود که صدور قانونی نفت عراق را با مشکل مواجه ساخت و دولت عراق به قاچاق نفت پرداخت.

عامل دیگری که موجب افزایش قاچاق در زمان تحریم می‌شود، تشدید تشریفات اداری در کشورهای مبدأ است که دست به تحریم زده‌اند. هم‌چنین تشدید تشریفات اداری واردات کالا در کشورهای مقصد برای کنترل ورود کالاهای صادراتی کشور تحریم‌شده، سبب طولانی‌تر شدن و پرهزینه‌تر شدن روال قانونی کار و راکد ماندن سرمایه‌ی صادرکننده و یا فساد کالا در زمان تحریم می‌شود؛ از این رو صادرکننده ناچار می‌شود با نقض قوانین، کالای خود را از راه غیر قانونی صادر کند و در نتیجه قاچاق کالا رواج می‌یابد. این امر منجر به افزایش هزینه‌ی صادرکنندگان کشور هدف می‌شود و درآمد آن‌ها را کاهش می‌دهد.

به دلیل تحریم با محدودیت مواجه شده است، از طریق این مناطق رفع نمایند. اثر مثبت وجود مناطق آزاد در کشور تحت تحریم این است که به دلیل ارتباط این مناطق با سایر مناطق آزاد کشورهای مختلف که تحت تحریم نیستند، محفلی مناسب برای نقض و دور زدن تحریم خواهند بود.

۴- نقش تحریم در قاچاق کالاهای صادراتی

همان‌طور که مطرح شد یکی از مهم‌ترین دلایل قاچاق کالاهای داخلی

دولت تحریم‌شده یا تحریم‌کننده از طریق تعرفه‌ها و قوانین و مقررات، بر رفتار مصرف‌کننده اثر می‌گذارد و در نتیجه، قاچاق خود را با آن تطبیق می‌دهد و قاچاقچیان تلاش می‌کنند، سودآوری خود را با عبور از این محدودیت‌ها افزایش دهند



دلیل محدودیت‌های ایجاد شده، دولت تحت تحریم دارای منابع محدودتری برای کنترل مرزها چه به لحاظ نیروی انسانی و چه به لحاظ فناوری و تجهیزات می‌شود که آثار و تبعات این مسأله تا سال‌ها بعد در اقتصاد کشور تحت تحریم باقی می‌ماند. کمبود امکانات نظارت و بازرسی در مرزها در حالی است که معمولاً قاچاقچیان به شیوه‌های نوین و ابزارهای پیشرفته مجهزند.

وجود فقر، بی‌کاری و توسعه‌نیافتگی معمول در مناطق مرزی محل مناسبی برای ورود یا خروج کالای قاچاق هستند و عامل مهمی در تشدید قاچاق به شمار می‌رود. به همین دلیل قاچاقچیان از بی‌کاران محلی (به دلیل کاهش رونق اقتصادی در کشور تحت تحریم و افزایش بی‌کاری) به راحتی برای قاچاق کالاها استفاده می‌کنند.

همانند قاچاق کالاهای صادراتی، اختلاف قیمت یا انگیزه‌ی کسب سودی که در قاچاق وجود دارد، عامل دیگر گسترش واردات کالاهای قاچاق است. فعالیت مناطق آزاد تجاری در زمینه‌ی کالاهای لوکس و مصرفی و اجیرشدن بعضی افراد توسط عوامل قاچاق کالا برای انتقال کالای همراه مسافر از مناطق آزاد، نیز شکل سازمان‌یافته‌تری به پدیده‌ی قاچاق کالا خواهد داد.

مناطق آزاد تجاری - صنعتی که در واقع برای جذب سرمایه‌گذاری به منظور تولید کالاهای صادراتی تأسیس شده‌اند، به درجه‌ای برای ورود کالاهای قاچاق به کشور در شرایط تحریم تبدیل خواهند شد؛ گرچه این حالت در شرایط معمول نیز می‌تواند برقرار باشد. به علت تفاوت قیمت کالاها در مناطق آزاد با داخل کشور هدف، انگیزه‌ی قاچاق از این مناطق بسیار قوی خواهد بود. بازارچه‌های مرزی نیز برخلاف انتظار، کارکرد مناسبی برای تشدید پدیده‌ی قاچاق خواهند داشت؛ گرچه این مناطق به عنوان یک فرصت نیز برای مقابله با تحریم از طریق دسترسی به کالاهای تحت تحریم مطرح هستند. سیاست‌گذاران کشور هدف نیز تمایل خواهند داشت برخی نیازهای خود را که

در این حالت کشور تحت تحریم، معمولاً باید کمک‌ها و حمایت‌های خود برای صادرات کالاهای تحریم شده را افزایش دهد.

سیاست‌های بازرگانی حمایتی و محدودکننده نیز از عوامل مؤثر بر قاچاق کالاهای صادراتی است. اختصاص سهمیه‌ای از تولیدات داخلی برای مصرف در داخل در زمان تحریم، از جمله سیاست‌هایی می‌باشد که باعث کاهش اعتبار بازرگانان کشور هدف در نزد شرکای خارجی آن‌ها می‌شود و به تشدید قاچاق دامن می‌زند. قوانین بازرگانی و محدودیت‌های قانونی مانند قوانین منع صدور کالا یا اجازه‌ی صدور انحصاری کالا به دولت یا یک ارگان خاص در زمان تحریم نیز زمینه‌ی گسترش قاچاق کالاها را فراهم می‌کند. ارزش حاصل از صادرات قاچاق، ارزش مورد نیاز برای واردات قاچاق کالا را نیز تأمین می‌کند و از این نظر مبارزه با قاچاق کالا به خارج

با اتخاذ یک سری سیاست‌های تجاری حجم واردات و صادرات را معین می‌کند. قاچاق کالا، اهداف ذکر شده را خنثی می‌سازد؛ زیرا کالاهای قاچاق وارداتی، دارای هزینه‌هایی برای اقتصاد ملی است که خارج از محاسبات دولت بر اقتصاد کشور تحمیل خواهد کرد. برای نمونه قاچاقچیان کالاهای صادراتی، ارزش حاصل از صادرات را به سیستم بانکی کشور باز نمی‌گردانند و به خارج از کشور منتقل می‌کنند؛ چرا که احساس عدم امنیت خواهند داشت. در نتیجه این امر موجب کاهش درآمدها و تضعیف دولت تحت تحریم می‌شود.

در زمان تحریم، دولت از یک سو تعرفه‌ها و مالیات واردات را به منظور کاهش هزینه و افزایش درآمدها بالا می‌برد، که در این حالت قاچاق به دلیل وجود تقاضا در بازار داخلی فعالیت خود را سودآور می‌یابد، از سوی دیگر اهداف دولت در تخصیص ارزش به واردات

می‌دهد و در سرمایه‌گذاری انحراف ایجاد می‌کند. با انحراف سرمایه‌گذاری‌ها و کاهش سرمایه‌گذاری‌های مولد و اشتغال‌زا، درآمد ملی کاهش یافته و درآمد سرانه نیز کاهش می‌یابد و در نتیجه فقر بیش از پیش در جامعه گسترش می‌یابد. تشدید قاچاق کالاهای وارداتی در زمان تحریم، دولت را از دریافت سود بازرگانی و عوارض گمرکی محروم می‌کند و درآمدهای دولت را کاهش می‌دهد. با ورود کالاهای قاچاق (به علت نپرداختن حقوق و عوارض گمرکی) قاچاقچیان قیمت پایین‌تری را برای مصرف‌کننده، فراهم می‌کنند و در رقابت با تولیدات داخلی، صنایع داخلی را به رکود فعالیت‌ها و تعطیلی می‌کشاند. قاچاق کالا به خارج در کنار کمبود و مشکلات ارزی ناشی از تحریم می‌تواند بر قیمت‌های کالاهای صادراتی رسمی و قانونی کشور تحت تحریم در بازارهای جهانی تأثیر بگذارد و همچنین با کاهش

وجود فقر، بی‌کاری و توسعه نیافتگی معمول در مناطق مرزی محل مناسبی برای ورود یا خروج کالای قاچاق هستند و عامل مهمی در تشدید قاچاق به شمار می‌رود



از کشور تحت تحریم، برای پیش‌گیری از امر واردات کالای قاچاق بسیار اهمیت دارد. در زمان تحریم، ارتباط صادرات و واردات غیر قانونی که در قالب قاچاق انجام می‌گیرد، بیش‌تر شده و موجب تقویت ارتباط بین قاچاقچیان داخل کشور تحت تحریم و قاچاقچیان مستقر در خارج از کشور می‌شود.

۵- کشور هدف تحریم و تأثیر قاچاق

دولت در زمان تحریم با توجه به امکانات و نیازهای کشور و با هدف تنظیم و مدیریت اقتصادی هم‌چنین ایجاد توازن در پرداخت‌های خارجی،

کالاهای ضروری و سرمایه‌ای و واسطه‌ای به منظور رشد تولید داخلی را مخدوش می‌سازد؛ زیرا کالاهای قاچاق معمولاً کالاهای مصرفی و غیر ضروری هستند که تأثیر مثبتی بر رشد تولید داخلی ندارند ولی بر الگوی مصرف جامعه اثرات مهمی دارند و تولیدات داخلی را نیز با رقابت فشرده‌تری در بازار داخلی مواجه می‌سازند. از این رو قاچاق کالا، اساس سیاست‌های بازرگانی دولت و توازن تجاری مورد نظر آن را در زمان تحریم مخدوش می‌نماید.

سودآوری فزاینده‌ی قاچاق، انگیزه‌ی سرمایه‌گذاری‌های مولد را نیز کاهش

درآمدهای ارزی نسبت به تشدید تقاضا در داخل بر قیمت بازارهای داخلی کالای مورد نظر، اثرات نامطلوبی بر جای گذارد و به ویژه افسار آسب‌پذیر را در تأمین نیازهای اساسی خود با دشواری روبه‌رو سازد. برای مثال قاچاق برخی کالاها در مرزهای مشترک ایران با عراق و ترکیه در تابستان ۱۳۸۷ موجب کمبود کالاهایی مانند غلات و افزایش مقطعی قیمت آن‌ها شد. کالاهای قاچاق به خارج، معمولاً بر عکس کالاهای قاچاق وارداتی به طور عمده کالاهایی ضروری و یارانه‌ای هستند و در صورتی که خارج از کنترل دولت انجام گیرند، موجب افزایش

جدول ۱- تبعات بالقوه‌ی نقش تحریم

مکان	دوره‌ی تحریم	بعد از تحریم
دولت	دولت در مقابل سازمانهای تبهکاری برای دسترسی به وجوه و تأمین کالا سکوت و تحمل و بعضاً حمایت می‌کند و با بازیگران مخفی اقتصادی بین‌المللی، روابط خود را گسترش می‌دهد. فعالیت‌های مربوط به قراردادهای فرعی ناقص تحریم و ارائه امتیاز غیرقانونی برای دسترسی به تبادلات و حمایت و وفاداری، افزایش می‌یابد.	پایداری همزیستی بین دولت و سازمان‌های تبهکاری در سطوح بالای فساد و ممانعت از اصلاح و اجرای قوانین.
اقتصاد	نظم اقتصادی مخدوش می‌شود. اقتصاد زیرزمینی توسعه می‌یابد. با نقض تحریم، اقتصاد رسمی کاهش یافته و به سمت بحران می‌رود. ظهور طبقه‌ی ممتاز قدرت و ثروت، از طریق قاچاق افزایش می‌یابد. اقتصاد رسمی به حاشیه رانده می‌شود. تولید داخلی کاهش می‌یابد و بیکاری افزایش پیدا می‌کند.	تداوم سطوح بالای فعالیت‌های اقتصادی زیرزمینی ناشی از شبکه‌ی ناقصان تحریم که خود را تطبیق داده و فعالیتها را متنوع کرده‌اند، با بازیابی اقتصاد رسمی در چالش خواهند بود. گروه ممتاز جدید به طور انتخابی به سایر بخش‌های اقتصادی می‌روند.
اجتماعی	مقبولیت وسیع اجتماعی قاچاق؛ قاچاق به عنوان یک امر عادی تبدیل می‌شود. گروه‌های غیر متمدن قدرت می‌گیرند. اشتیاق به مشاغل کاذب مرتبط با قاچاق افزایش می‌یابد.	تداوم بالای پذیرش اجتماعی قاچاق؛ درگیر شدن در اقتصاد قاچاق به طور وسیع به عنوان یک مسیر مشروع و قانونی برای تحرک اجتماعی بالا دانسته می‌شود. مقاومت‌های اجتماعی در مقابل قانون‌گرایی افزایش می‌یابد.
بازتاب منطقه‌ای	شبکه‌ی ناقصان تحریم توسعه می‌یابد. با مشارکت مقامات کشورهای همسایه، روابط تجارت رسمی با کشور هدف از بین رفته و روابط تجارت غیر رسمی گسترش می‌یابد (شکل پنهانی از وابستگی متقابل، حاکم می‌شود). نقض حریم مرزی فزاینده می‌شود.	لغو تحریم موجب حرکت موجی در مناطقی می‌شود که نقش تحریم انجام می‌گرفت. شبکه‌های نقض‌کننده مقاومت نموده و خود را برای دیگر فعالیت‌های غیرقانونی و قاچاق تطبیق می‌دهند.
سیاسی امنیتی	کاهش اقتدار حکومت. افزایش قانون‌گریزی.	گسستگی مردم درگیر قاچاق از دولت؛ کاهش پایگاه مردمی دولت.

این نیازها منجر به تقویت و توسعه‌ی شبکه‌ی منطقه‌ای مسیره‌های قاچاق شد و گروه‌های تبه‌کاری سازمان‌یافته در کشورهای همسایه و هم‌چنین بلغارستان، رومانی و آلمان نقش حیاتی در این فرایند داشتند. علاوه بر این، قاچاق کالا به کشورهای قبلا جزو جمهوری یوگسلاوی بودند منبع مهم درآمد افراد در تمام گروه‌های اجتماعی از رهبران سیاسی گرفته تا شهروندان عادی شده بود که در نقاط مرزی زندگی می‌کردند. در زمان جنگ یوگسلاوی، کشورهای کرواسی، مسلمانان بوسنی و کوزوو قاچاق را، نه تنها نقطه‌ی آسیب‌پذیر منافع خود نمی‌دیدند، بلکه آن را ضرورتی حیاتی می‌دانستند. هم‌چنین تحریم می‌تواند ناخواسته منجر به همکاری گروه‌های تبه‌کار کشور هدف و کشورهای همسایه‌ی آن کشور گردد. (پیتراونداس) در جدول شماره ۱ به طور خلاصه اثرات تحریم بر قاچاق و سایر آثار مربوط به اقتصاد پنهان را نشان می‌دهد. ■ (ادامه دارد...)

فقیر، فقیرتر و ثروتمندان، ثروتمندتر می‌شوند؛ قاچاق و بازار سیاه، اقتصاد را به دست می‌گیرند؛ هم‌چنین دولت و گروه طبقه‌ی ویژه، منافع اقتصادی زیادی را از ناحیه‌ی تحریم با دست‌یابی به انحصار در تجارت غیر قانونی، به دست می‌آورند. همان‌طور که تحلیل‌گران زیادی عنوان کرده‌اند، در بلندمدت مشارکت عمومی، مؤسسات مستقل و طبقه‌ی متوسط تضعیف می‌شوند و شکست اجتماعی منجر به این می‌شود که جامعه توانایی کمتری برای دفاع از دولت داشته باشند و احتمال مردم‌سالاری کاهش می‌یابد. رژیم‌های دارای قدرت نظامی بر حاکم نیز به طور آشکاری از طریق انحصاری کردن عملیات قاچاق، از تحریم سود می‌جویند. برای مثال در زمان تحریم صربستان، تجارت نقض‌کننده‌ی تحریم در کشورهای نظیر کرواسی و بوسنی هرزگوین رونق بالایی یافت که بیش‌تر به سمت قاچاق واردات غیر قانونی سلاح بود. برای دولت بلغراد واردات غیر قانونی نفت، حیاتی بود. در هر دو مورد

هزینه‌های کشور تحت تحریم و کاهش درآمدها می‌شوند. قاچاق کالا از طرفی به افزایش تقاضا برای ارز در بازار داخل (بازار غیر رسمی) نیز منجر می‌شود که این مسأله خود زمینه‌ی افزایش تورم است؛ از طرف دیگر با افزایش عرضه‌ی کالاها در داخل توسط قاچاقچیان و جلوگیری از افزایش قیمت شدیدتر کالای تحت تحریم، بخشی از تقاضای موجود در بازار پاسخ داده می‌شود که از سوی دولت تحت تحریم، به دلیل محدودیت، قابل پاسخ‌گویی نیست. تحریم به دلیل تأثیر بر برنامه‌ریزی‌های اقتصادی دولت موجب گسترش فرهنگ پنهان‌کاری؛ فاصله گرفتن نظام شغلی، و شیوه‌ی امرار معاش جمع‌کنی از خانواده‌های کشور تحت تحریم از نظام اخلاقی و حقوقی مورد قبول جامعه می‌شود. این امر در شهرهای مرزی کشور تحت تحریم، معمولاً شدت بیش‌تری دارد. در تحریم‌های جامع، معمولاً طبقه‌ی متوسط تضعیف می‌شود؛ افراد